

در تقاضای نیتن فرصتی ساعد و مناسب برای گلاشتن با سنجی به تفصیل بنامه افیرتان
اصولاً هرگونه نامه نویسی و لولایه بکار فراموش بشد. این یکی غفلت صافی بود که اسیر است
با خلق کریم خود عفویش کنید. یاد آوری رضیق کمداف مراد از غفلت بر آرد و اکنون
نیز که اسب نامه را بنویسیم تا سفاکه معنی تو اتم بود و فاد صده خور را احراکم یعنی در باره
مطالعی به قرار بود نظر خود را جابج با آنها بنویسیم اظهار نظری تمام ولی جمله در رسم علی اب
در سه باره بر جیاز کلمات مربوط به شکل و معنوی شعر عامر فارسی عقاید خور را بیان می‌ایم:

(I) آیا معنوی در شعر فارسی باید تغییر کند و در چه جهت باید این تغییر صورت گیرد؟
طبی است معنوی باید در شعر فارسی تغییر کند و باید پایی نه بی مضامین خشکیه و سنجید
که شاعر بلا اراده آنها را رد یعنی کند و تشابه و تقابیر و استعارات و کلمات
و در قالبی بگردد متبدل (که از کتب بازگو کرده اند شیره جانان را مکیه اند) مانع
اوج آزادانه سبذ شاعر در فضای واقفیت و زندگی معاصر شود. کلاسیکهای
تالیف ما در بیان و لفظ اندیشه اشعرا و خور از زمزم برکت بخش زندگی
و واقفیت زمان خود فیض می گرفته اند. اشعار آنها شیار از رنگ زمان و مکان
است. مفهوم زیبایی، تقوی، زندگی، کین، عشق، اهدا و غیره
در ای رنگ دورانی است که شاعر و صاف این مفاهیم در آن دوران منسب است
بر شاعر باید لغت برای زمانه خود باشد و مارش ظفر معنوی تاریخ زمان خود را
بهر تمام آن توقع شکرگویی که خاص زندگی است. و در درک عین حوضیات
آن، منکس نماید. (این انعکاس تابع تئوری مارکستی-لنینیستی انعکاسی است)
یعنی انعکاس از واقفیت به سبذ ای که ناخوش یا تحلیلات غیر واقعی) در
انعکاس واقفیت زمانه خورش عزم باید در عمل مهم در دور انجام دهد: (۱)
ایجاد نمونه ای کلی از قهرمانان و حوادث یا (تپیزاسون) numeralism
این عمل تقسیم نری که عمل بسیار دشواری است. بزرگی گفته است باید افراد نمونه دار
(تی پیک) اراد شیطانی نمونه دار نشان داد. یک از معایب این معنوی بیایی
دوره از سی درست همان گریز از زمزم گرگی و عدم استمداد برای تپیزاسون
و تقسیم نری است. (۲) دارن خصائص و خصوصیات گویای زمانی و مکانی قهرمانان
و حوادث (معنوی دارن) " смысловая нагрузка " اگر این شرط
دوم مراعات نشود بنده می با صورت کلی خواهد یافت و به زندگی شبیه خواهند
بود. مثال: سخنراجه سارزه دهقانان آذربایجان را توصیف کنید. صحنه را
در یک محیط نمونه دار شاعران انتخاب می کنید. مدانی زینل که زندگی او

مؤنث زندگی مردم دهقان آذربایجانی است. هزاران داستان است. نشان بیه هیبه که چگونگی یک نسل در
 حواشی مؤنثه وار (درباره زن زینل علییه همام الملک مانگ و سردان حسنی انده ژاندارم و شیخ سلیم
 آخوندعلی که خود مؤنثه ای ستوره ای و تپیک رزنوع مانگ و ژاندارم و آخوند مستند ازینل در سپهر
یک تاریخ خود آورده است. پیردیزل نصف دکتر آذربایجان پیردیزی شد. تا اینجا عمل اول یعنی
تپیزاسون. اما من این عمل تپیزاسون باید عمل دوم: دادن سپهر سینک اسهام گرد. یعنی زینل
تا یک دهقان سرای باشه و شدا عالیه معوذ تاش در گی اقوام یک نزاره اس تا ما دهقانان
زنده و ت شخص معتدی (نه دهقان بطور کلی). زندگی بایام حضی میات تخلیش و بوتره آن حضرت
که خاص آن عمل است و مصغ گردد. در آسیختن تپیک با سپهر سینک یک باید باید دشوار است
که موفق اعاده استادی مخارج. ژاندارم تمام حرف در هنر حیاست. عظمت تولستی
حیث گرگی در هنر لانتن تپیک با سپهر سینک است. بلینکی ناشانه Top of Yama
از گر باید درون رالی ستیا بزرگ آذربایجان سپهر سینک روسی است. بلینکی درباره سپهر سینک
سخن زیاد گفته و گرگی درباره تپیک تا کعبه فراوان کرده است. برای لانتن تپیک و سپهر سینک
و ترج ما برای آن دو ایجاد مؤنثه سپهر زنده. مؤنثه های تاریخی (و نه مادرو زمان مکان)
مطالعه عمیق حیات و حق جمع آوردی مدارک و تجزی شاعرانه پرشور در میان حوادث و انسان منازاع است.
باز مزیای صادق براست نولیده باز تکیه فقیه مادرو باید فکر سپهر سینک ایرانی است اگر چیز بزرگوار
عمل تپیزاسون بطور تاری موفقیت آنرا است و عنا بنا تابع مکتب نور ژانزی توصیف روانهای ناخوش
و غیر مؤنثه دار است.

اگر روزی شایسته شود: (a) از قید مضامین کنه وارسته و از منبع حیات عموما سراب شود
 (b) حیات عموما را با مزج ما برانه تپیک و اسپهر سینک معونی کنه
 معنی هر از کنه پرستی در هم از کلی با فنی و هم از بجز با نزن از واقعیت برهید، بنیاد سنگینی

بهار حلاوت نری خود ایجاد کرده ایم.

II آیا شکل در شعر نارسی باید تغییر کند و در چه جهت باید این تغییر صورت گیرد؟

ما در کتبها به تقدم معنون بر شکل مستقیم دی معنی این کلام آن سینه که ما مطالع اصالت معنون
دی اعتدالی به شکل مستقیم زیر ما نظور که با اصالت شکل oponovuzom دی اعتدالی به معنون
و تسیم از معنون به شکل مستقیم مستقیم. شکل در آثار ادی زبان سبک و موازی
و ظلمات و سین نری است. ما مستقیم که باید شکل ساعده تر زینده تجلی کامل معنون باشه.
لذا زبان و سبک و ظلمات نری باید تیره معنون شود یا اگر شکل کنده و سخن نانه وار قواره
باید اوند. ما نظور که در آسیختن تپیک و سپهر سینک بسی دشوار است ایجاد هم انگی باید
معنون و شکل دشوار است. بر معنوی می طلبه که شکل ذدرا با کیفیت خاص دی دماغ و موافق کند
بر معنوی می طلبه که شکل قالب بر زنده ای بر ادی باشه. ما نظور که معنون در جنبش است و
معنون نوی باید شود شکل در جنبش است و شکل نوی باید آید. نستما معنون نوی قبل از شکل نوی باید کند

دستک ایجاد شکل نورا ایندی که نایز قطعی مطرح میازد. مثلاً در ادبیات خاصه در شواهدی نایز قطعی
 مطرح شده است. زبان دسک و نظایات نری کلاسیک دیگر قتیع پایی مضامین نوزنیه. شکل نوزنی
 زبان شوع. غنی. دقت دار. با ساد روشن و سبکهای کمی تازه و نظایات رسا تر و فراخ
 تری می خواهد. منتها مارکیتها در نوز آدرسی که قاعده شریف داره وان بر جزو در شواهد
 در کلامی تجارب گفته شده. جمع کردن تجارب کهن و ادراج آن بمرصعه بالانرا آه آن است نوز آدرسی مارکیتی
 ولی نوز آدرسی غیر سبکی بر تجارب گفته شده. «نوز آدرسی بی ذولنه و آنار شستی است» («نوز آدرسی» نیما
 یا مؤهر سبکی در شواهد فارسی داران کچین مختصاتی است) خود زنیگی نشان میدهد که شکل
 نوز آدرسی با این حسب. یک از دستورهای عمیق و نوز گو در مارکیتی. لیستی است که باید حواله ای نو
 را در میان انبوه گفته که حسب و رسته دارد. تاریخ شود در ایران از اعجاز شریفیت تا اردو
 مابین ن سیه که شکل نو با نواع مختلف بروز کرد و در برخی از آنها حق اهلیت و تولار وکی
 « правосудия » پیاده کرده اند. آری باید در وزن
 و قافییه و قبح نظر کرد و قواعد کلاسیک را بحد بشنود. استعاره از تجارب شواهد آذربایجان
 شوروی و برخی شواهد آسیای میانه (ضمیمه اول تعلیمه طبقه امرا ل مبرسی) در بیان شکل نو
 تنها کمک خواهد کرد.

تراز سبکی کنیم

- ۱) یافتن سبک و سبب سبک و در آینه سخن این دو
 - ۲) هم اینک یافتن شکل نو و معن نو با کلمه
- اینست سنگ مناسبتی توری همیشه استیک مارکیتی

ضمیمه شده اند. شایسته است که در نوز آدرسی کلمی و تجربی شده باشد ولی شل شده به جنبهای آینه
 سودمند است. حتی در ام با لکه نوشته ام بومیه کینه و از اما تجارب کنکرت و سبکی خود سبکیه
 من همه که اسیر لاسم که شایسته است شاعر با معن نو و شکل نو یعنی معن انقلابی و شکل رسا و
 برابره این معن شوم شعر علی آراجه. سبکی که یک روز در سپهر سخن قطعاتی است که معن در
ادبیات فارسی معاصر خواهد ام با بیان فصیح این اسیر تا میکی کند. بومیه در این شواهد
 معن نوین باشد شکل نوین کامیا باشد در آینه و از لیس خود بسیار شاعر بر استعدادی را جلوه گر
 میازد. اگر شواهد این شواهد نیستند به علت آنست که شواهد است گرفته و اگر
 ساکی نری را بررسی می کنند. با کمی نیست. با حاربت که نیستی و با نوز آدرسی که نیستی و
 با شروستی که نیستی باید در حاره شرب بچورفت.
 آذر بهترین سلام را شبانه تمام میازد. نظر نامه آندوت از ضمیمه هفتم
 پرونده